

زنده‌ای در تابوت

نوشته:

فریبا اسماعیلی

زنده‌ای در تابوت

نویسنده: فریبا اسماعیلی

ناشر: پرتو بیان

چاپ و صحافی: بعثت

نویت چاپ: اول/تابستان ۸۶

شمارگان و قطع: ۱۰۰۰ نسخه/وزیری

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

سرشناسه	اسماعیلی، فریبا - ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدید آور	زنده‌ای در تابوت/ نوشته فریبا اسماعیلی.
مشخصات نشر	سندج: پرتو بیان
شابک	: 964-8327-71-8
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	داستانهای فارسی - قرن ۱۲.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ ۹ ز ۹۶۳۳ / س ۷۹۵۳ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۳/۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۵۳۸۱۲

ISBN: 964-8327-71-8

شابک: ۹۶۴۸۳۲۷-۷۱-۸



انتشارات پرتو بیان

۸۳

سندج - چهار راه شهدا، پاساژ عزتی

تلفن: ۰۸۷۱ - ۲۲۵۸۷۵۹ همراه: ۰۹۱۸۳۷۱۵۹۳۸

www.kurdbook.com

به نام آرامش دهنده دلها ..

آنچه بیش از هر چیز مرا به مطالعه این داستان وا داشت، همانا شجاعت و اعتماد به نفس خانم فریبا اسماعیلی است در پردازش یک چنین داستانی که ملهم است از احساسات و عواطف انسانی و بیان رنجهای گفته و ناگفته‌ی آنها در منطقه اورامان که بخشی از است سرزمین باستانی نیاکان ما، کردستان عزیز... به عنوان نخستین کار نویسنده این داستان، شایسته است به ایشان تبریک و تهنیت گویم.

اما درباره محتوی و پیام این داستان، باید اذعان نمود که آنچه درباره محرومیتها و دردها و رنجهای اجتماعی زنان اورامان در این نوشته منعکس است، تنها نمونه کوچکی از محرومیتها و آلام اجتماعی و تاریخی مردم سرزمین کردستان است.

نکته دیگری که لازم است در اینجا به آن اشاره کنم، آن است که دردها و رنجهای تاریخی زنان اورامان و دیگر مناطق کردستان، تنها اختصاص به زنان ندارد، بلکه اگر در خلال سده‌های پیشین درد و رنجی در کار بوده است، زن و مرد، هر دو در آن سهیم بوده‌اند. ناگفته نماند که رفتار نامناسب و ستمگرانه افراد یا قشری خاص از مردان کرد را نبایستی به حساب همه آحاد و اقشار این مردم گذاشت. اگر نمونه پدران و شوهران بدرفتار و ستمگر در جامعه ما فراوان بوده‌اند، نمونه پدران و شوهران فداکار و دلسوز و جانفدا نیز در میان نسلهای گذشته یا کنونی جامعه ما فراوان بوده و هست .. اگر زنان جامعه ما در اعصار و روزگاران گذشته (و یا حتی در زمان حال) مورد ظلم و تحقیر و اذیت و آزار قلبی پدر و شوهر ناآگاه قرار داشته‌اند، این را هم نباید فراموش نمود که در آن واحد، همه افراد و آحاد جامعه ما، اعم از زن و مرد، در چنین وضعیت نابسامانی قرار داشته‌اند. آری این ستم بر همه روا داشته شده است، منتها از آنجایی که بنا به نظام خاص اجتماعی و اقتصادی جامعه ما در روزگاران پیشین، مردان امور سرپرستی و مسئولیت اداره خانواده را برعهده داشته‌اند، نقایص و عیوب و اشکالاتی هم که بر یک چنین ساختاری متصور است، غالباً به حساب مردان گذاشته شده است. هرگاه برای اثبات چنین واقعیتی ارائه سندی لازم آید، خوب است قهرمان همین داستان را به عنوان شاهد مدعا معرفی کنم که احترام و فداکاری و عشقش به سیران او را تا لبه پرتگاه عشق و ایثار کشاند .. به بیان دیگر، اگر سیوانی بوده و به سیران ظلم کرده، کساوهای هم بوده که در راه عشقش به سیران، جان عزیز خود را تقدیم او کرده است.

به هر حال، بار دیگر از اینکه یک مهین بانوی کرد اورامانی، برای نخستین بار در تاریخ این خطه، با شجاعت قدم پیش نهاده و در حد توانش به بیان رنجهای درازدامن زنان این سامان پرداخته است، خرسندم و هم‌ازینرو، مراتب تبریک و تهنیت خویش را بدین مناسبت فرخنده، به پیشگاه مردم شریف و عزیز کرد، و به ویژه همسر و خانواده محترم خانم فریبا اسماعیلی، تقدیم می‌دارم. امیدوارم ایشان نوشتن را عاشقانه را ادامه دهد و در بیان حقایق فرهنگی جامعه خویش بیش از پیش دقیق و منصف و کوشا باشد.

و السلام علی من اتبع الهدی - قدمتگزار آیین و فرهنگ و ادب

پیشگفتار

زنان اورامان، چونان کوهستان سربه فلک کشیده و باشکوه شاهو، همواره استوار و پرمصلابت و باوقار دوشادوش همسرانشان در برابر تندبادهای ایام، سرفرازانه ایستاده‌اند و از ناملایمات گردون و گزند حوادث تلخ روزگار نه‌راسیده‌اند و رنج زندگی را به جان خریده‌اند و دل از ناامیدیها زدوده‌اند و با تلاش درازدامن در پهنه هستی، تاریخ این مرزوبوم پرگهر را رقم زده‌اند.

ما جوانان نسل امروز شاید بارها و بارها از پدران و مادران سالخورده خویش، قصه‌های تلخ و شیرینی از زندگی شیرزان کرد اورامانی شنیده‌ایم که چگونه در کمرکش کوهستان اورامان و دشت شارزور زنان اورامانی پایه‌ای پدران و شوهرانشان با مشکلات دست و پنجه نرم کرده‌اند. چنانکه داستان فداکاریهای آنان سینه به سینه نقل گردیده و پیوسته زبانزد همگان بوده است. با این وصف، افسوس که یاد و خاطره چنین بزرگ‌زانی در کشاکش دهر اغلب به ورطه فراموشی سپرده شده است و لذا در لابه‌لای صفحات کتابهای تاریخی به ندرت نشانی از آنان به چشم می‌خورد. گویی تاریخ نویسان نیز همچون بسیاری از طبقات اجتماعی ما، نسبت به این قشر رنج‌دیده و صبور و مهربان، بی‌اعتنا بوده‌اند.

علاوه بر بیمه‌ری تاریخی نسبت به زن کرد، در گستره شهرها و روستاهای اورامانات زنان اورامی مانند دیگر زنان شهرها و روستاهای کردستان با مشکلات و تنگناهای بسیاری مواجهند. به ویژه زنان مطلقه‌ای که شاید تا سالیهای سال با مجموعه‌ای از فشارهای روحی و روانی درگیرند و بدیهی است که این فشارها زمینه‌ساز بسیار از دیگر آسیبهای اجتماعی خواهد گردید، از قبیل: افسردگی، خودسوزی، خودکشی و اقدام به غرق کردن خود در رودخانه‌ها.

از مهمترین عوامل پدید آورنده این وضعیت نابسامان در میان زنان منطقه اورامانات همانا می‌توان به فقر، بیسوادی، تبعیض میان پسران و دختران در خانواده اشاره نمود. لذا عامل بسیاری از این نابسامانیها و ناهنجاریهای اجتماعی در میان زنان کرد اورامی، به جامعه و محرومیت‌های اجتماعی این قشر و موانع و مشکلات فرهنگی آنان در جامعه باز می‌گردد.